****

**عنوان:**

**مکتب اقتصادی شیکاگو**

**نام و نام خانوادگی:**

فهرست مطالب

[مکتب اقتصادی شیکاگو 1](#_Toc446594533)

[پیشگامان مکتب 2](#_Toc446594534)

[حوزههای تحقیق نویسندگان مکتب 5](#_Toc446594535)

[روششناسی مکتب 6](#_Toc446594536)

[مفاهیم اساسی مکتب شیکاگو 7](#_Toc446594537)

[بررسی مکتب 8](#_Toc446594538)

[مکتب شیکاگو در معماری 10](#_Toc446594539)

[معماری (مکتب شیکاگو) 10](#_Toc446594540)

[مکتب شیکاگو به صورت مفصل تر 12](#_Toc446594541)

[زندگی نامه لوئی سالیوان 13](#_Toc446594542)

[نمونه هایی از مکتب شیکاگو 19](#_Toc446594543)

[منابع 20](#_Toc446594544)

#

# مکتب اقتصادی شیکاگو



مکتب شیکاگو در سال 1892م در دانشگاه شیکاگو با تأسیس گروه جامعه­شناسی توسط آلبیون اسمال (Albion Woodbury Small: 1854-1926)، پایه­ریزی شد.[[1]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn1" \o ") وی در نگارش و بنیاد مجله جامعه­شناسی و پویایی این رشته در امریکا سهیم است.[[2]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn2" \o ") گروه جامعه­شناسی دانشگاه شیکاگو برخلاف کژفهمی­های رایج آن دوران، به­هیچ­وجه تنها به گردآوری واقعیت­ها علاقمند نبود، بلکه از همان آغاز در جستجوی صورت‌بندی­های مفهومی و نظری­ای بود که با آن­ها بتوان رشته جامعه­شناسی را از کار اجتماعی و نیز از صرف گردآوری داده­های اجتماعی متمایز کرد.[[3]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn3" \o ")

مطالعاتی که در چارچوب این مکتب انجام شده، بیشتر در زمینه مسائل شهری، انحرافات اجتماعی، سازمان­های اجتماعی و مسائل کار و شغل است.[[4]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn4" \o ") آنان در پایه­ریزی جامعه­شناسی شهری نقش مهمی داشتند؛ تعدادی از نویسندگان مرتبط با دانشگاه شیکاگو از دهه 1920 تا دهه 1940، مفاهیم و اندیشه­هایی را پدید آوردند که برای سال­های بسیاری شالوده اصلی نظریه و پژوهش در جامعه­شناسی شهری بود.[[5]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn5" \o ")

علاقه فزاینده گروه جامعه­شناسی این دانشگاه به مسائل شهر و اجتماعی گسترده­تر و روی­ آوری به موضوعات انسان‌دوستانه و اصلاحگرانه، آن‌ها را به گرایشات ضدنظریه نکشانده بود، بلکه یک علاقه دوگانه­ای به تحقیق و نظریه در اکثر کارهای آن‌ها دیده می­شود.[[6]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn6" \o ")



# پیشگامان مکتب

## 2**-1 رابرت پارک (Robert park: 1864-1944)؛**

 رابرت پارک از برجسته­ترین اعضای این مکتب است که در آثار خود، بیشتر به گزارش و توصیف دقیق اجتماعی متمایل بود؛ اما به­زعم خویش خدمت اصلی‌اش تحول در مفاهیم کارآمد و امکان­پذیرسازی طبقه­بندی منظم و تحلیل داده­های اجتماعی است.[[7]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn7" \o ") بدین­سان، او محیط اجتماعی را از محیط طبیعی متمایز ساخت و بر این‌ اساس، سازمان اجتماعی را به دو بخش فرهنگی و زیستی تقسیم نمود.[[8]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn8" \o ")

پیش از جنگ جهانی اول، پارک در مقاله­ای تحت عنوان "شهر: پیشنهادی برای تحقیق درباره رفتار انسان در محیط شهری" که دستور کار جامع تحقیق برای جامعه­شناسی شهری به­شمار می­رفت، تأمل در زندگی شهری را مطرح کرد.[[9]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn9" \o ") در این اثر، وی جامعه را به ارگانیسم تشبیه کرد که در این مسیر جامعه­شناسان دیگری نیز در اوایل قرن بیستم به علوم زیستی روی آوردند. وی تمایل داشت تا جامعه­شناسی را از قید فلسفه خلاص کند و آن را به علم نزدیک سازد. به­همین­دلیل، او فکر می­کرد که مدل بیولوژیکی بهترین وسیله جهت نزدیک­شدن به علم است.[[10]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn10" \o ") بدین­نحو پارک یکی از پایه­گذاران رویکرد بوم­شناختی است. بنابر نظر وی، همین که شهر ایجاد می­گردد، به­نظر می­رسد یک مکانیسم بزرگ انتخاب­کننده­ای برقرار می­شود که به شیوه­ای خطاناپذیر افرادی را از میان جمعیت گزینش می­کند که برای زندگی در منطقه خاص از همه مناسب­ترند.[[11]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn11" \o ")

به­اعتقاد پارک، همان فراگردهای شاخص رشد و تحول اجتماعات زیستی، گیاهی و جانوری در مورد اجتماعات انسانی نیز اعمال می‌شود. جایگاه مکانی گروه­های گوناگون در درون یک شهر، به اندازه سازمان مکانی یک اجتماع حیوانی منعکس­کننده فراگردهای بوم­شناختی است.[[12]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn12" \o ")

پارک بوم­شناسی انسانی را برای نشان­دادن اهمیت فرایند تضاد و رقابت در شهرها بر سر منافع نایاب به­کار گرفت. ساختار اجتماعی شهرها نشان داد که جوامع متفاوت به تجمع در فضاهای متمایز گرایش دارند. البته این الگو، آماری و لایتغیری نبود و به همان­صورت که انواع گیاهان از جایی به جای دیگر منتقل می­شوند، جوامع شهری متفاوت نیز چنین کردند. پارک این فرایند را به­منزله مرحله­ای از چرخه رقابت، سلطه، جانشینی و تهاجم مورد توجه قرار داد.[[13]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn13" \o ")



2. ارنست برجس (Ernest Burgess: 1886-1966)؛ مکتب شیکاگو غالبا با مدل برجس شناخته می­شود که براساس الگوهای کاربری زمین شیکاگو در دهه 1920م تهیه شد. هدف از این طرح حذف الگوهای اساسی جدایی اجتماعی در شهرهای مدرن بود. این مدل مناطق متحدالمرکز، معرف رشد شهر، بدون درنظرگرفتن ویژگی­های طبیعی آن مانند تپه­ها، سواحل و بنادر بود. در این مدل، وجود منطقه مرکزی تجاری در مرکز شهر و کمی دورتر از آن منطقه انتقالی با خصیصه پس­روندگی شهری بر اثر پیشروی صنعت و تجارت بدیهی بود. این مسأله منطقه مرکزی را برای ساکنانی که در صورت توانایی می­توانستند به خارج از آنجا به­سوی منطقه مسکونی کارگران یا شهرک­های اطراف (منطقه تحت نفوذ طبقات متوسط) بروند، بی­جاذبه نمود. برجس این مدل را تأییدی بر اهمیت فرایندهای بوم­شناختی می­دانست؛ بدین­معنا که در پی رشد شهرها امواج هجوم مردم به آن شکل می­گرفت، مردمی که از سرزمین­های واگذار کرده خود به دیگران به طرف شهرها سرازیر می­شدند که سرانجام به رقابت بین اجتماعات متفاوت و تغییر شکل شهر می­انجامید. تأیید این مدل و حمایت از آن درنهایت به تحقیقات قابل ملاحظه­ای مبتنی‌بر آمار و مرتبط با نقشه­کشی کاربری زمین، توزیع گروه­های خاص جمعیتی و کژرفتاری­های اجتماعی مانند خودکشی و جنایت انجامید.[[14]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn14" \o ")

 3. لوئیس ورث (Luis Wirth: 1897-1952)؛ او نیز یکی از اعضای این مکتب است که نظریه شهرنشینی، به­عنوان یک شیوه زندگی را مطرح کرد. نظریه وی دراین­باب بیش از آنکه به تمایز درونی (Internal Differentiation) شهرها توجه کند، به اینکه شهرنشینی، به­عنوان شکلی از زندگی اجتماعی چه چیزی است توجه نشان داده و بدین­ترتیب به وصف زندگی شهری پرداخته است. به­زعم وی افراد موجود در شهر در مجاورت یکدیگر زندگی می­کنند، بی­آنکه یکدیگر را بشناسند. بیشتر ارتباطاتشان زودگذر و جزئی بوده و وسیله­ای برای اهداف دیگر است تا اینکه به­خودی خود رضایت­بخش باشد. شهرنشینان معمولا به­دلیل دارا بودن تحرک زیاد، پیوندهای نسبتا ضعیفی دارند؛ درنتیجه، روابط غیرشخصی غیرقابل انکار دارند.[[15]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn15" \o ")

نظریه ورث، مانند دیدگاه بوم­شناسی که وجوه اشتراک بسیاری با آن دارد، اساسا مبتنی‌بر مشاهدات در شهرهای امریکایی است که در عین حال به شهرنشینی در همه­جا تعمیم داده شده است.[[16]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn16" \o ")

# حوزه­های تحقیق نویسندگان مکتب

علاوه­بر بوم­شناسی، کار دیگری که در این مکتب انجام شد، رشته تحقیقات مردم­نگاری است که علی­رغم نفوذ چشمگیر در انسان­شناسی شهری و جامعه­شناسی شهری به­خوبی شناخته نشده است. از دهه 1920م یک سلسله مردم­نگاری­های مشهور در باب ابعاد متفاوت زندگی شیکاگو در پاسخ به برخی از سوالاتی که پارک آن­ها را مطرح کرده بود، انجام یافت. این مردم­نگاری­ها توسط محققان مکتب، به مدیریت پارک صورت گرفت، که درباره جزئیات ابعاد خاصی از زندگی شهری در شیکاگو انجام شد؛[[17]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn17" \o ") این موارد عبارت‌انداز : بی­خانمان­ها، بی­سازمانی خانوادگی، باند نوجوانان، بازداشتگاه، خودکشی، محله­های مسکونی، اغنیاء فقرای حومه­های نزدیک شمال آن شهر، محله­های پربزهکار، روسپیان، خانواده سیاه، سازمان فحشاء و توزیع انواع گوناگون بیماری­های روانی.[[18]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn18" \o ")

به­طور خلاصه می­توان اکتشافات این مکتب را چنین بیان کرد:

1. جامعه شهری در استیلای یک فرهنگ ساده و متجانس نیست، بلکه از خرده ­فرهنگ­های گوناگون ساخته شده است.

2. محیط شهری با وجود مجاورت جغرافیایی ساکنانش، فاصله اجتماعی را تشدید می­کند که در شهرهای بزرگ بیش از شهرهای کوچک و متوسط است.

3. از ویژگی­های کلان­شهرها بالابودن میزان جنایت و رفتارهای غیراخلاقی مثل الکلیسم، فحشاء، قمار و ... می­باشد.

4. همه صورت­های معنادار رفتارهای انسانی در شهرهای بزرگ عمدتا به­صورت گروهی انجام می­گیرد.

5.  درنتیجه گوناگونی اجتماعات شهری و تحرک اجتماعی، نسبتا بسیاری از شهروندان کرداری ضد اجتماعی پیدا می­کنند و بدون اعتنا به دیگران و زندگی خود ادامه می­دهند.

6. جمعیت در شهرها مرتبا در حال افزایش است و ساختمان­هایش پیچیده­ترند و حومه­هایش توسعه می­یابند.[[19]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn19" \o ")

# روش­شناسی مکتب

در جامعه­شناسی شهری پس از جنگ، روش­های مطالعات موردی کمتر و روش­های پیمایشی بیشتر انجام شد. با وجود اجرای مطالعات مردم­نگارانه، تحقیق کیفی کمتر از تحقیقات مبتنی‌بر روش­های آماری مورد توجه و اعتبار قرار گرفت.[[20]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn20" \o ")

جامعه­شناسی شهری در امریکا تلاش کرده تحقیقات تجربی را با نظریه بیامیزد. آن‌ها از مدل بوم­شناسی علوم طبیعی استفاده می­کنند تا از آن طریق چگونگی استقرار جمعیت انسانی و نهادهای اجتماعی را در فضای شهری تبیین کنند. هدف محیط­شناسی انسانی کشف قوانینی است که باعث پیدایش الگوهای خاص جابجایی جمعیت و قرارگرفتن آن‌ها در فضاهای خاص می­شود. آن‌ها از مدل علوم زیستی برای تحقیق در علوم اجتماعی استفاده کرده­اند، به­علاوه از مفاهیم زیمل نیز متأثرند؛ مانند کنش متقابل، تضاد، بزرگی، همگونی و ناهمگونی جمعیت در آثار آنان دیده می­شود.[[21]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn21" \o ")



# مفاهیم اساسی مکتب شیکاگو[[22]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn22" \o ")

این مفاهیم به نظریه بوم­شناختی آن ارتباط یافته، نه ناظر بر دیدگاه­های مردم­نگاری شهری، که عبارت‌اند از:

1. جامعه زیستی (Sonication)؛  اولین و عام­ترین وجه، همان توجه به طبیعت و الگوهای کنش متقابل اجتماعی و فرایندهای پیوند اجتماعی است. این عرصه سوالاتی را دربر دارد، ازجمله اینکه چرا مردم با افرادی خاص ارتباط برقرار کردند؟ چگونه پیوندها و تعلقات گروه­های اجتماعی نسبت به یکدیگر توسعه و دگرگون یافت؟ این توجه متأثر از بینش جورج زیمل بود که بر مکتب شیکاگو و آنانی که موضوع اصلی جامعه­شناسی را تحلیل الگوهای "جامعه زیستی" می­دانستند، تأثیر شگرفی داشت. جامعه زیستی ناظر بر نظم غیررسمی حیات اجتماعی، قوانین اخلاقی و عرفی است که زیربنای صور به­ظاهر تصادفی و نامنظم کنش انسانی را تشکیل می­دهد.

 2. شیوه­های دگرگونی جامعه زیستی در چارچوب نوگرایی؛ توجه به الگوهای جامعه زیستی موضوع اصلی مربوط می­شود؛ یعنی سوالی بسیار عملی مبنی‌بر چگونگی تحولات فرایندهای جامعه زیستی در امریکا در اوایل قرن بیستم. درک اهمیت ظهور صنعت­گرایی نو و تأثیر آن در فرایندهای جامعه زیستی موضوع تجربی مکتب شیکاگو است. نوگرایی از دیدگاه پارک، فروپاشی زندگی اجتماعی رسمی، پایه­های ساختاری کنش انسانی و رشد زندگی اجتماعی غیررسمی بود. به­نظر وی تقسیم کار به­معنای جهت­گیری کار و شغل در تجزیه پیوندهای اجتماعی بود. تنها راه ساماندهی و تجدید بنای پیوندهای اجتماعی، اعتلای انسجام و همبستگی با محیط اطراف است.



3. اصلاح اجتماعی؛ سومین ویژگی آن، توجه مستقیم به امور سیاسی بود. به­زعم اسمیت (Smitt: 1988) موضوعی که طرفداران مکتب شیکاگو را یک­جا جمع نمود، ایده‌آل­های سیاسی لیبرالی و گرایش به تبدیل آن­ها به حرکتی سیاسی بود. آنان با اعتقاد به مردم­سالاری امریکایی، متغیرهای اساسی اقتصاد سرمایه­داری و نظام انتخاباتی لیبرال-دموکراتیک را پذیرفته­اند که تا حدی بیانگر بی­توجهی نسبی آنان به اشتغال یا دولت است؛ اما در عین­حال، ناظر بر این است که چگونه انواع کنش متقابل مبتنی‌بر همکاری، ممکن است برای جایگزینی صور موجود ازهم­پاشیده آن در شیکاگوی معاصر طرح شود و توسعه یابد. آنان به سیاست اصلاح­طلبانه­ای اعتقاد داشتند که به بررسی نهادهای اجتماعی برای سنجش چگونگی تأثیر محتمل آن­ها در ویژگی جامعه زیستی در محیطی ویژه می­پرداخت.

هر کدام از این سه مفهوم، تحت تأثیر پیچیدگی و وحدت اجتماعی در زمینه شهری­شدن شتابان قرار داشت.

# بررسی مکتب

-    مکتب شیکاگو، علی­رغم بدیع­بودن رویکرد و تنوع تحقیقات، جهت­گیری نظری مشخصی نداشت؛ این­امر، بدان­معنا نیست که نویسندگان آن در نظریه تفحص نکرده باشند؛ نظری­بودن مکتب، معمولا در تأیید آن بر بوم­شناسی انسانی و تلاش برای انطباق مفاهیم زیست­شناختی در مطالعات شهری دیده می­شود؛ آن‌ها نوعی از بوم­شناسی انسانی را بسط دادند که در آن الگوهای زندگی شهری از اصولی مشابه اصول بوم­شناسی گیاهی در رقابت گونه­های مختلف نباتات باهم برای کسب موقعیت مسلط در محیطی طبیعی نشأت می­گیرد.[[23]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn23" \o ")

-    دیدگاه بوم­شناختی، به اهمیت برنامه­ریزی آگاهانه در سازماندهی شهر کمتر توجه داشت و توسعه شهری را به­عنوان یک فرایند طبیعی درنظر می­گرفت.[[24]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn24" \o ") با استفاده از این دیدگاه، به­نظر می­رسد، این مکتب تأکید بر فرایند نژادگرایی و تضاد طبقات را به کناری نهاد و در عوض به الگوهای استقرار در مناطق شهری پرداخت که نتیجه فرایندهای انقلابی «بقای اصلح» تلقی می­شد. اما باید گفت، هرچند در وجود مفاهیم بوم­شناسی در کارهای پارک و دیگران تردیدی نیست، این امر تنها دل­مشغولی نظری­بودن این مکتب نبود و ارزیابی کلی آن نیز نباید با تکیه بر این بعد صورت گیرد. او بر اهمیت عوامل فرهنگی در زندگی اجتماعی و اعلام صریح این نکته که عوامل فرهنگی ممکن است فرایندهای بوم­شناختی را تغییر دهند، تأکید داشت. [[25]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn25" \o ")

-    این مکتب، جامعه­شناس را عامل اعتلای روابط جمعی تلقی می­کرد. آنان تحلیل­گران وضعی بودند که جامعه­شناسان اخیر آن را «نوگرایی» می­نامند.[[26]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn26" \o ")

-    در مکتب شیکاگو به تجزیه و تحلیل کلی یا رسمی ویژگی­های عمل اجتماعی به شیوه گارفینگل (1967: Garfikel) یا گافمن (1959: Goffman) توجهی نمی­شد.[[27]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftn27" \o ")

طرفداران لیبرالیسم در مقابله با موج مداخله گرایی که تحت تاثیر مکتب [کینز](http://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%A9%DB%8C%D9%86%D8%B2) در نظام اقتصادی کشورهای سرمایه داری تاثیر گذار بود به دفاع از اصول و مبانی [لیبرالیسم](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%84%DB%8C%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%B3%D9%85) پرداختند و منشا تمام مشکلات را مداخله دولت در [اقتصاد](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%AF) دانستند. در راس اینان مکتب [شیکاگو](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%DB%8C%DA%A9%D8%A7%DA%AF%D9%88) و [میلتون فریدمن](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%DB%8C%D9%84%D8%AA%D9%88%D9%86_%D9%81%D8%B1%DB%8C%D8%AF%D9%85%D9%86) قرار دارد. در حالی که در [نظام اقتصادی آمریکا](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%AF_%D8%A7%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7) دولت کمترین نقش را در مقایسه با سایر کشورهای سرمایه داری داشت و سهم دولت آمریکا در تولید ناخالص ملی از یک درصد هم تجاوز نمی‌کرد اما فریدمن چنین می‌گوید:

«خواهیم کوشید به این سوال پاسخ دهیم که برای رفع نارسایی های سیستم خودم آنکه نتایجی مشابه نتایج بالا به بار می‌آورد (تحت الشعاع قرار گرفتن منافع عمومی به وسیله منافع افراد) چه می‌توانیم بکنیم و چگونه می‌توانیم دامنه نفوذ و قدرت دولت را محدود کنیم و در عین حال کاری کنیم که دولت در انجام وظایف اصلی خود توانا گردد. یعنی از عهده دفاع از ملت در مقابل دشمن خارجی برآید و بتواند از هریک از آحاد مردم در برابر زور و اجبار هر تن دیگر از هموطنانش حمایت کند و در موارد اختلاف میان مردم به قضاوت درست بپردازد و به ما یاری دهد تا بتوانیم بر سر قوانینی که می‌باید از آنها پیروی کنیم به توافق برسیم.»

# مکتب شیکاگو در معماری

# معماری (مکتب شیکاگو)

در اواخر قرن 19 شهر شیکاگو مرکز خطوط راه آهن و ارتباط بین شرق و غرب آمریکا بود و از نظر اقتصادی یک مرکز تجاری مهم در آمریکا محسوب می شد از این رو ساختمانهای اداری و تجاری در این شهر ساخته شد .

اما در سال 1871 آتش سوزی مهیبی قسمتهایی از شهر را ویران کرد و از بین برد. این مساله زمینه ساخت ساختمانهای دیگری شد و اولین نمونه های معماری مدرن در این شهر ساخته شد. و مکتب شیکاگو به وجود آمد.

اولین مهندس مطرح این مکتب «ویلیام لی برون جنی» بود و برای اولین بار ساختمان بیمه را در 10 طبقه و با سازه فولادی و دیوارهای پرده ای غیر باربر در طبقات بالایی ساخت.

سالیوان یکی دیگر از معماران این مکتب بود که برای اولین بار شعار فرم تابع عملکرد را مطرح کرد این شعار از شعارهای محوری معماری مدرن بود.

روشهای طراحی معماران شیکاگو به این صورت بود که :

1. استفاده از اسکلت فولادی برای ساختار کل بنا
2. نمایش ساختار بنا در نمای ساختمان
3. عدم تقلید از سبکهای گذشته
4. استفاده خیلی کم از تزئینات
5. استفاده از پنجره های عریض که کل دهانه ستونها را بپوشاند

معماران شیکاگو برای پی ساختمانها از پی شناور استفاده می کردند زیرا خاک شیکاگو سست بود.

در واقع مکتب شیکاگو منشور اولیه معماری مدرن است و در این دوره برای اولین بار ساختمانهای بلند ساخته شد.

در سال 1893 با نمایشگاه بین المللی کلمبیا معماری مکتب شیکاگو پایان یافت. زیرا ساختمانهای ساخته شده در آن به صورت نئوکلاسیک بودند و جالب اینکه در طراحی آنها 2تن از معماران مطرح مکتب شیکاگو شرکت داشتند.

با اینکه عمر مکتب شیکاگو حدود 20سال بود ولی از جهاتی دارای اهمیت است.

1. استفاده از تکنیکها و مصالح جدید ساختمانی (اسکلت فلزی-شیشه های وسیع -برق -تاسیسات -آسانسور)
2. احداث ساختمانهای بلند با اسکلت فولادی برای اولین بار در شهر شیکاگو (قبل از آن از چدن به جای ستون استفاده می شده)
3. برای اولین بار یک سبک معماری جهان گیر از آمریکا شروع شد و معماران آمریکایی به جای تقلید از معماران اروپا خود سبک جدیدی به وجود آوردند.

# مکتب شیکاگو به صورت مفصل تر

شروع قرن بیستم در آمریکا با تحول شدید اقتصادی و حرکت از جامعه روستایی سنتی به جامعه شهری مدرن همراه شده شهرها به سرعت با خیل عظیم مهاجران مواجه شدند و روز به روز بر جمعیت آنها افزوده می‌شد. و در اثر این تحولات جمعیتی، شهر شیکاگو رشدی خیره کننده داشت. جمعیت شیگاگو از سال 1900 تا 1930 در هر دهه 500 هزار نفر را در خود جای داد. علاوه بر این مهاجران مردمانی با فرهنگهای مختلف که از روستاها و مناطق متفاوت به شهر آمده بودند جمعیت شهر را مجموعه گسترده‌ای از گروههای قومی‌ و ملیتهای مختلف تشکیل می‌داد.

در صورتی که محدودیتهای شهری آنها را ملزم به زندگی در فضاهای بسیار نزدیک به یکدیگر کرده بود. تفاوتهای اجتماعی باعث تفاوت در محل سکونت و تراکم جمعیت در مکانهای مختلف می‌شد. بدین ترتیب مسائلی چون کمبود مسکن، برخورد فرهنگهای مختلف که با یکدیگر مخالف و ناسازگار می‌نمودند، به سرعت چهره خود را نشان دادند. شیگاگو سر آمد شهرهای آمریکا بود و به دستاوردهای خود می‌بالید. نخستین آسمان خراش فولادی در همین شهر ساخته شده بود، جریان رودخانه شیگاگو را برای مصارف خاص این شهر منحرف ساخته شده بود.

ارزش زمین آن با شتابی سرسام آور افزایش یافته بود و بر اثر مهاجرتهای بی‌رویه و آشفته بازار مناطق آلونک نشین آن، میزان بزهکاری نیز در این شهر افزایش چشمگیر یافته و از نظر جنایت سازمان یافته، سر آمد جهان شده بود. بالاخره شهری با چنین ویژگیهای زادگاه " مکتب شیگاگو " گردید. در 1892، دانشگاه نوبنیاد شیگاگو به همت جان دی راکفلر و به ریاست ویلیام رینی هارپر، درهایش را به روی دانشجویان گشود. این دانشگاه از همان آغاز، چشم انداز دیگری از شیگاگو را به روی آمریکا بیان گشود.

# زندگی نامه لوئی سالیوان:

 لوییس سالیوان معمار بزرگ آمریکایی و «پدر معماری مدرن» در چنین روزی به دنیا آمد. او با تفکرات و عقاید منحصر به فردش توانست تحولی شگرف در هنر و صنعت معماری به وجود آورد و تاثیرات عمیق او بر کسی پوشیده نیست. سالیوان بنیانگذار مدرسه معماران شیکاگو است و «فرانک لویدرایت» معمار افسانه ای آمریکایی از شاگردان او بوده است. «لوییس هنری سالیوان» در سوم سپتامبر ۱۸۵۶ در شهر بوستون به دنیا آمد و مدت کوتاهی در «موسسه فناوری ماساچوست» (ام آی تی) به تحصیل مشغول شد و دریافت که قادر است تحصیلات دبیرستان خود را یک سال زودتر تمام کند و با گذراندن یکسری امتحانات، دو سال در دانشگاه پیش بیفتد. او تنها ۱۶ سال داشت که وارد دانشگاه ام آی تی شد و پس از یک سال تحصیل به فیلادلفیا رفت و برای خود شغلی در کنار معماری به نام «فرانک فرنس» (Frank Furness) پیدا کرد.

رکود اقتصادی سال ۱۸۳۱ بسیاری از زحمات «فرانک فرنس» را بر باد داد و او به واسطه مشکلات مالی مجبور به اخراج سالیوان شد. در این زمان «سالیوان» به شیکاگو رفت تا در جریان ساختمان سازی آن شهر که پس از وقوع یک آتش سوزی گسترده در سال ۱۸۷۱ آغاز شده بود شانس خود را بیازماید. او خیلی خوش شانس بود که موفق شد در کنار «ویلیام لبارون جنی» مشغول به کار شود. «جنی» اولین معماری است که از اسکلت فلزی در اجرای ساختمان بهره برده. پس از کمتر از یک سال فعالیت در کنار «جنی»، «سالیوان» به قصد تحصیل بار سفر بست و یک سال در دانشگاه هنر پاریس مشغول به فراگیری شد.

 پس از اتمام دوره آموزشی به شیکاگو بازگشت در حالی که هنوز هجده سالگی اش تمام نشده بود. او چند سال بعد را به فعالیت در کنار معماران مختلفی گذراند تا اینکه در سال ۱۸۷۹ «دانکمار آدلد» معمار مشهور آن زمان، «سالیوان» را استخدام کرد و یک سال بعد او را در شرکت خود شریک کرد. این اتفاق سرآغاز دوران پیشرفت و موفقیت سالیوان بود. طی این سال ها «سالیوان» و «آدلد» موفقیت هایی پی درپی به دست آوردند که از جمله آنها می توان به طرح و اجرای تالار سخنرانی شهر شیکاگو در سال ۱۸۸۹ اشاره کرد که در پایان پروژه «سالیوان» و «آدلد» طبقه بالای این ساختمان را به عنوان آتلیه خود انتخاب کردند. از دیگر موفقیت های این دو شریک می توان به ساختمان واگن سازان (Wainwright Building) در سنت لوییس اشاره کرد که اولین آسمانخراش تاریخ معماری جهان به شمار می رود.

 «لوییس سالیوان» اولین معماری است که روش صحیح استفاده از اسکلت فلزی در ساختمان های بلند و مزایای آن را به طرز بهینه ای مورد استفاده قرار داد. از آنجایی که در ساختمان هایی که با اسکلت فلزی بنا می شوند معمولاً غیر یک یا دو دهنه دیوار برشی در سایر نقاط ساختمان نه تنها عضو باربری وجود ندارد که به عنوان مثال از دیوارهای ساختمان فقط به دلیل پوشندگی و محافظت سرمایی گرمایی استفاده می شود و هیچ خاصیت باربری ندارد. «سالیوان» با علم به این نکته در ساختمان های بلند از پنجره هایی با ابعاد بزرگ بهره می برد که نه تنها باعث روشنایی بیشتر فضای داخلی می شد که با حذف دیوارها و ضخامت پائین شیشه های پنجره سطح مفید ساختمان افزایش یافت. توجه سالیوان به مزایای اسکلت فلزی موجب شد محدودیت های دست و پاگیر مهندسی که همیشه بر سر راه طراحان معمار وجود داشته است تا حدی از بین برود و این تحولی شگرف در معماری مدرن را باعث شد.

در سال ۱۸۹۰ «سالیوان» یکی از ۱۰ معمار منتخبی بود که برای اجرای ساختمان «نمایشگاه جهانی کلمبیا» که قرار بود در سال ۱۸۹۳ در شیکاگو برگزار شود انتخاب شد. ساختمانی که بعدها «شهر سفید» لقب گرفت. از دیگر شاهکارهای خلق شده «سالیوان» می توان به ساختمان عظیم ترمینال شیکاگو و «دروازه طلایی» که طاقی است عظیم که در «شهر سفید» قرار دارد اشاره کرد.

شراکت «آدلد» و «سالیوان» پس از اجرای فروشگاه زنجیره ای «کارسون پیری اسکات» به اتمام رسید و در پی انحلال شرکت «سالیوان» یک دوره بیست ساله را با سیری نزولی چه در زمینه مالی و چه زمینه احساسی سپری کرد. از او به پاس تلاش ها و زحمات بسیار در هنر معماری بارها تقدیر شد و در سال ۱۹۲۲ به عنوان یک طراح خبره از مسابقه ای که برای طرح و اجرای «برج تریبیون» برگزار شده بود شدیداً انتقاد کرد. یک برج با اسکلت فلزی و نمایی از سنگ که ساختمان های سنگی معماری گوتیک را تداعی می کرد اما سالیوان یک تحریف بزرگ تاریخی را در طراحی آن کشف کرده بود.

لوییس سالیوان عاقبت در چهاردهم آوریل ۱۹۲۴ در شیکاگو چشم از جهان فروبست. فرانک لوید رایت که به نوعی شاگرد او محسوب می شد مراسم تدفین این معمار بزرگ را که در زمان مرگ فقیر و تنها در اتاق هتلی در شیکاگو درگذشته بود آبرومندانه برگزار کرد. اکنون که سال ها از مرگ او می گذرد هنوز تاثیر تفکرات این اولین معمار پیشرو در معماری جهان به چشم می خورد.

بدین ترتیب طی چندین سال دانشگاه در صدر دانشگاههای ایالات متحده قرار گرفت. ویلیام توماس، پس از مدتی رابرت پارک را به دانشگاه شیگاگو دعوت کرد.. رابرت پارک سال 1916 پس از ورود به دانشگاه شیگاگو مقاله‌ای تحت عنوان «شهر : پیشنهادی برای تحقیق درباره رفتار انسان در محیط شهری» نوشت. در این اثر پارک جامعه را به اورگانیسم تشبیه میکند. البته او در استفاده از این مدل تنها نبود، و جامعه شناسان دیگری هم در اوایل قرن بیستم به همین شکل به علوم زیستی روی آورده بوده اند. مفاهیمی‌ مانند انطباق، تکامل اجتماعی، کار کرده هنوز هم در جامعه شناسی متداول است.

او طی سلسله مقالات دقیقی، به طرح مسائل شهری نظیر زندگی ماشینی شهری و فساد ناشی از آن و زمینه‌های پیدایش تبهکاری پرداخت. او شهر را آزمایشگاه ممتازی تشخیص داده بود که در آن توانست انسان شهری نوظهوری را که جامعه صنعتی آفریده بود، مورد بررسی قرار داد. این مطالعات سر آغازی برای مکتب شیگاگو به شمار آید.

در این دوره علاقه به استفاده از نظریات داروین در مورد مسائل اجتماعی رواج داشت. نیروهای غیر شخصی اما عقلانی کرد داروین در طبیعت مشخص کرده بود، به نظر می‌رسید که در جامعه نیز دیده شوند. بدون شک نیروهای اجتماعی به اندازه نیروهای طبیعی پیچیده بودند. پارک علاقه مند بود تا جامعه شناسی را از قید فلسفه خلاص کند و آن را به علم نزدیک سازد. به همین دلیل او فکر می‌کرد که مدل بیولوژیکی بهترین وسیله برای نزدیک شدن به علم است.

مکتب شیکاگو رنگ مذهبی داشت و اغلب اعضایش یا کشیش بودند یا کشیش زاده. گروه جامعه شناسی در دانشگاه شیکاگو در سال ۱۸۹۲ به وسیله الیبون السمال پایه گذاری شد.

شیکاگو در اواخر قرن 19 مرکز تجاری آمریکا بود و فعالیت های شدید اقتصادی و به تبع آن اجرای ساختمان های تجاری و اداری در این شهر آغاز شده بود. همچنین در اثر آتش سوزی بیشتر قسمت های شهر از بین رفته بود پس زمینه برای تحولات جدید آ ماده بود. ساختمان های مدرن به دور از هر گونه تزیینات و تاریخ گرایی با اسکلت فولادی و با دیوار های غیر باربر و پنجره های وسیع برای اولین بار احداث شد. ویلیام لی برون جنی با تاسیس یک دفتر معماری (1868) برای اولین بار در ساختمان بیمه که 10 طبقه بود از سازه ی فولادی استفاده کرد. لویی سولیوان معروف ترین معمار این سبک است که برای اولین بار شعار فرم تابع عملکرد است را مطرح کرد.

به طور خلاصه مبانی این مکتب به طور خلاصه به شرح زیر است:

- استفاده از اسکلت فولادی برای سازه ی باربر

- نمایش ساختار بنا در نمای ساختمان

- عدم تقلید از سبک های گذشته

- استفاده ی بسیار اندک از تزیینات

- استفاده از پنجره های عریض که کل دهانه ی بین ستون ها را میپوشاند

عمر این مکتب به بیش از دو دهه نرسید ولی از چند جهت حائز اهمیت میباشد. استفاده از مصالح مدرن برای اولین بار(آهن شیشه تاسیسات برقی آسانسور) و استفاده از اسکلت تمام فولادی به جای چدن همچنین این اولین سبک آمریکایی بود که گستره ی جهانی پیدا کرد.

مکتب شیکاگو بین سالهای 1883 و 1893 رشد کرد. پیروان آن بی نظمی جامعه صنعتی در اروپا را ناشی از کم بودن زمین در شهر می دانند؛ بدین ترتیب الگوی روستا - شهر را برای حل مشکلات شهری ارائه می دهند و توجه به طبیعت را نیز در سطح وسیعی مطرح می کنند. در این مکتب توجه به اکولوژی یا محیط طبیعی، اهمیت ویژه ای دارد به طوری که محیط انسانی در دل آن مطرح می شود.

این مکتب از دارونیسم اجتماعی، در زمینه عامل رقابت میان شرکتها، بنگاه های تجاری و خانواده ها برای دستیابی به نقاط مطلوب شهر بهره می برد و علم اقتصاد را فقط اصل مسلم انسان برای بهره گیری بیشتر و با کوشش کمتر میداند و برای تحقق این هدف معتقد به عدم دخالت دولت در امور اقتصادی، نفع فردی و اجتماعی و اهمیت صنعت است و نیز صنعت را منشاء ثروت می داند. گفتنی است پیش از قرن بیستم نگاه به شهر در حیطه علوم مختلف و اندیشمندان گوناگون از جمله مورخین، اقتصاددانان، فلاسفه، جامعه شناسان و جغرافیدانان بود اما در قرن بیستم و بویژه از 1910 تا 1970 نگاه به شهر و بخصوص ساخت آن در منظر دید معماران قرار میگیرد و موضع شهر برعکس گذشته غیر سیاسی میشود.

عمارات بزرگ برای شرکت های تجارتی و بیمه ها نخستین بناهایی بودند که در این زمان در شیکاگو ساخته شدند. بزودی ساختمان های بزرگ دیگر برای مقاصدی دیگر بر پا گشتند. هتل های بزرگ برای مسافرین بسیار که به این شهر می آمدند و یا بناهایی که جوابگوی چند مقصود مختلف در یک جا بودند، فی المثل بنائی موسوم به «ادیتوریوم ادلر و سالون» که برای دفاتر تجارتی، هتل و تاتر ساخته شد. در این زمان حل مسئله ی آپارتمان های مسکونی نیز مسئله ای که تاکنون حل کامل آن میسر نگشته است – با مداومت و جرأت بسیار آغاز گشت. ساختمان دفاتر کار، نقطه آغاز مکتب معماری شیکاگو است.

اساس مکتب معماری شیکاگو به آسمان خراش های دفاتر کار یا به عبارت دیگر به مراکز اداری این شهر – پیوسته است. اهمیت ساختمان این آسمان خراش ها چندان حیاتی است که رهائی فرم های ظاهری را ایجاب می کند و خواست های تجارتی و ساختمانی چنان مبرم است که تمام اصول معماری در هر یک از اجزاء بنا باید بر این خواست ها استوار گردد. تنها با چنین شرایطی می توان مصمم و با هدف هایی قطعی کار کرد، می توان مظهر و نمودار حقیقی عصر بود، می توان امیدوار بود که معماری از مظاهر حقیقی هنر برخوردار گردد. در ساختن این آسمان خراش ها مسائل مهندسی فراوان پیش می آمد و مؤسس مکتب معماری شیکاگو «ویلیام لوبارن جنی» پیش از آن که معمار باشد مهندس بود. تعلیمات و تجربیات «جنی» در مهندسی ساختمان کامل بود و در هنگ مهندسین سپاه «شرمن» با درجه ی سروانی خدمت کرده بود. وی در تعلیم معماران جوان شیکاگو همان نقشی را ایفا کرد «پطر بهرنس» در تعلیم معماران آلمان (در حدود 1910) و یا «اگوست پره» در تعلیم معماران فرانسه. «جنی» به معماران جوان مسائلی را آموخت که در مدارس معماری راه حلی بر آنها متصور نبود.

آغاز توجه به اشکال خالص در مکتب شیکاگو بود.

معماران مکتب شیکاگو اساس ساختمانی تازه ای در بناهای خود بکار بردند: اسکلت آهنی، که در آن زمان صرفاً «ساختمان شیکاگو» نامیده می شد.

«پی شناور» نیز که مناسب با خاک سست شیکاگو است اختراع این معماران بود.

پنجره هایی بزرگ که طول آن در جهت افقی قرار گیرد نیز برای نخستین بار توسط این معماران بکار رفت و از همین رو «پنجره های شیکاگو» نامیده شد.

ساختمان های تجاری و اداری نیز زاده ی نیروی خلاقه ی این معماران بود.

اهمیت این مکتب از نظر تاریخ معماری در این است که برای نخستین بار در قرن نوزدهم به جدایی بین فن ساختمان و معماری بین مهندس و معمار پایان داد، جدائی که در تمام قرن هیجدهم ادامه داشت. شاگردان این مکتب با دلیری شگفت آوری کوشیدند از فرم های پیچیده ی دوران گذشته دوری جویند و فرم هائی «خالص» بیافرینند که وحدت فن ساختمان و معماری را میسر دارد.

# نمونه هایی از مکتب شیکاگو

ساختمان بیمه شیکاگو ( از اولین ساختارهای مکتب شیکاگو )

ساختمان شیکاگو ( از بهترین و کاملترین نمونه های این مکتب )

کلیسای جامع جان سانتیوس مقدس ( از کلیسهای لهستانی شیکاگو )

جایگاه پمپاژ شیکاگو

# منابع

[[1]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftnref1" \o "). محسنی، منوچهر؛ مقدمات جامعه­شناسی، تهران، بی‌نا، 1373، چاپ یازدهم، ص61.

[[2]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftnref2" \o "). ریتزر، جورج؛ نظریه جامعه­شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران، علمی، 1380، چاپ پنجم، ص68.

[[3]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftnref3" \o "). کوزر، لوئیس؛ زندگی و اندیشه بزرگان جامعه­شناسی، محسن ثلاثی، تهران، علمی، 1373، چاپ هشتم، ص502.

[[4]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftnref4" \o "). محسنی، منوچهر؛ پیشین، ص61.

[[5]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftnref5" \o "). گيدنز، آنتوني؛ جامعه‌شناسي، منوچهر صبوري، تهران، ني، 1381، چاپ هشتم، ص606.

[[6]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftnref6" \o "). کوزر، لوئیس؛ پیشین، ص503.

[[7]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftnref7" \o "). همان، ص502.

[[8]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftnref8" \o "). ممتاز، فریده؛ جامعه­شناسی شهر، تهران، انتشار، 1379، چاپ اول، ص127.

[[9]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftnref9" \o "). مایک، ساوج و وارد، آلن؛ جامعه­شناسی شهری، ابوالقاسم پور رضا، تهران، سمت، 1387، ص13.

[[10]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftnref10" \o "). ممتاز، فریده؛ پیشین، ص127.

[[11]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftnref11" \o "). گیدنز، آنتونی؛ پیشین، ص606.

[[12]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftnref12" \o "). کوزر، لوئیس؛ پیشین، ص483.

[[13]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftnref13" \o "). مایک، ساوج و وارد، آلن؛ پیشین، ص21.

[[14]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftnref14" \o "). همان، ص14-13.

[[15]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftnref15" \o "). گیدنز، آنتونی؛ پیشین، ص608-609.

[[16]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftnref16" \o "). همان، ص610-609.

[[17]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftnref17" \o "). مایک، ساوج و وارد، آلن؛ پیشین، ص14.

[[18]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftnref18" \o "). ربانی، رسول؛ جامعه­شناسی شهری، با همکاری فریدون وحیدا، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان و سمت، 1387، چاپ سوم، ص286.

[[19]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftnref19" \o "). همان، ص287.

[[20]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=41182" \l "_ftnref20" \o "). مایک، ساوج و وارد، آلن؛ پیشین، ص33.